

راما قوبدل: نویسنده و کارگردان فیلم «چاقی» در گفت و گو با «صبا»:

هدفم پیام دادن نیست!

دلارام صادقی

گفت و گو

«چاقی» اولین و آخرین ساخته بلند راما قوبدل در سینماست. این فیلم در سی و سومین جشنواره فیلم فجر به نمایش درآمد و پس از پنج سال شهریور ۹۸ در سینما به اکران عمومی درآمده است. بازیگران «چاقی» را لادن مستوفی، علی مصفا، حمید فرخ‌زاد و مهسا کرامتی تشکیل می‌دهند. حمید آخوندی و رضا جلالی تهیه‌کنندگی این فیلم را بر عهده داشتند. در خلاصه این فیلم آمده است: روایتی است از انتخاب، انتخاب عشق یا وجدان. در ادامه گفت‌وگویی که با راما قوبدل داشتیم را می‌خوانید.

فیلم «چاقی» پس از پنج سال وقفه اکران شده است؛ این موضوع ضربهای به اکران فیلم وارد نکرد؟

صدرصد ضربه وارد کرد. وقتی فیلم در تاریخی که تولید شده به ارایه نرسد و رنگ رده را به خودش نبیند طبیعتا اتفاقات بسیاری در آن تغییر می‌کند. نمونه این تغییرات فراوان است و یک نمونه بسیار برجسته آن این است: «چاقی» زمینی ساخته شد که اینستاگرام وجود نداشت و شبکه اجتماعی قالب جامعه ما فیسبوک بود. در سکانسی از فیلم می‌بینیم که «میر نریمان» کاراکتر اصلی برای این که «شادی» را جست‌وجو کند به سراغ فیسبوک می‌رود، اکنون دیگر فیسبوک معنای آن زمان را ندارد. سوای تمام این ماجراهای ریز و درشتی که پیش آمده، زمینی که فیلمی در زمان تولیدش به پرده نرسد به قول دوستان پختی که این جمله را چندین و چند سال در گوش من گفتند: «این فیلم کهنه شده و دیگر امکان نمایش به آن شکلی که توقع دارید را نباید داشته باشید». البته موضوعات حاشیهای دیگر نیز داشت در واقع دو پخش‌کننده خوب در همان دوره پخش فیلم را بر عهده گرفتند اما متوجه نشدم که چرا تهیه‌کننده فیلم را به این دو پخش‌کننده نداد و آن را نگه داشت و به پخش‌کننده‌های سیرد که خیلی شرایط انجام این کار را نداشت و نتوانست فیلم را اکران کند. در نهایت من ملدم، دوندگی‌ها برای اکران فیلم و پیدا کردن پخش که به قول معروف «حدیث مفصلی است، مثنوی صد من کلفد می‌شود» اگر بخوایم به آن ورود پیدا کنیم.

«چاقی» به موضوعات اجتماعی می‌پردازد، اما در پایان فیلم کاراکتر اصلی وجدان را انتخاب می‌کند که شاید در واقعیت این طور نباشد. دلیل انتخاب این نوع پایان‌بندی چه بود؟ آیا هدفتان انتخاب یک پیام آموزشی برای فیلم بود؟ هدفم پیام دادن نیست و به قول یکی از کارگردان معروف سینما «گر می‌خواستم پیام برزنم حتما به تلگر افتخانه می‌رفتم». محتوای اصلی فیلم «چاقی» سوال‌برانگیز است که اگر یک مردی مانند «میر نریمان» در شرایطی که قصه ما وجود دارد یعنی شرایط پایدار مالی، اجتماعی، خلوادگی و کاری زندگی‌اش مشکل جدی ندارد و مسائلی وجود دارد که ممکن است هر کدام از انسان‌های این جامعه داشته باشند. طبیعتا آن فرد یک روز به خودش می‌آید و متوجه می‌شود که عشق شده است. در واقع سوالی که من را بر این داشت که فیلمنامه را بنویسم و در پی آن این فیلم را بسازم این بود که آیا «میر نریمان» مقصر است؟ آیا کاراکتر دختر مقصر است؟ در این ماجرا چه کسی مقصر است؟ بحث اصلی فیلمنامه این است که، زمینی که عشق برای انسان اتفاق می‌افتد اراده در آن دخیل نیست. ممکن است نظریه‌هایی وجود داشته باشد که برخی بگویند خیر آن مرد باید خودش را کنترل کند و اجازه ندهد که آن قدر پیش رود. تئوری‌هایی نیز وجود دارد که عشق را یک فرایند شیمیایی می‌دانند و با ترشح یک سری آنزیم به وجود می‌آید. اگر اراده دخیل نباشد طبیعتا شخص نمی‌تواند مقصر قلم‌بند شود و در هر حال جالش اصلی ما این بود که بفهمیم اگر مردی در این شرایط قرار گرفت آیا می‌تواند بدون آسیب از این ماجرا رد شود؟ آیا می‌تواند ماجرا را به درستی اداره کند؟ پاسخ این سوالات را در نوشتن فیلمنامه و ساختن فیلم جست‌وجو کردم و نتیجه آن همین است که بر پرده می‌بینید.

در زمان جشنواره و چه حالا که فیلم اکران عمومی شده است به فیلم «چاقی» دونوع دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ بسیاری می‌گفتند فیلم دکوپاژ و میزانشن خوبی دارد و برخی هم عقیده دارند فیلم ریتم

کندی دارد. نظر خودتان درباره این نقد که فیلم ریتم کندی دارد چیست؟ آیا داستان برای این که داستان قابلیت ریتم تندتری را داشته باشد، بسته بود؟

من نقدهای بسیار مثبتی از فیلم گرفتم و متأسفانه تاکنون نقد منفی نخوانده‌ام و اگر نقد منفی‌ای باشد خوشحال می‌شوم که بخوانم. بحث ریتم که پیش می‌آید مبحث کمی فنی می‌شود. ریتم، میزان ایده‌آریه شده در واحد زمان است و با تمپو متفاوت است، تمپو کندی ارایه ایده‌آریه است. بعید می‌دانم با این تعریف که کلاسیک آکادمی است، ریتم «چاقی» کند باشد. از مهارت کند به معنای بد بودن نیست و ریتم تند نیز به معنای خوب بودن نیست. همخوانی فرم و محتوا این را تعیین می‌کند اگر قرار است ما قصه‌ای تعریف کنیم که نیاز به تامل زیاد دارد طبیعتا آن را با ریتم خیلی کندی نمی‌توان تعریف کرد. و اگر ما قصه‌ای داشته باشیم که پویا باشد نیز آن را نمی‌توان با ریتم کند تعریف کرد. به عقیده من «چاقی» فیلمنامه دقیق و مهندسی شده‌ای دارد، با تمام الگوهای کلاسیک فیلمنامه‌نویسی همخوان است و ساختار سه‌برده‌ای دارد یعنی شامل نقطه عطف، مفصل میانی و نقطه اوج می‌شود. عموماً در سریال‌هایی که ساخته‌اید، محوریت خانواده وجود دارد و همیشه به ارزش و عرف‌ها پررنگ نگاه می‌کنید؛ در «چاقی» نیز به این موضوع می‌پردازید، این بُعد کار چقدر برای شما مهم است؟ و در ادامه مسیر کاری‌تان تصمیم به تغییر ژانر ندارید؟

به آن صورتی که تعریفی از خانواده داریم، ساختار اجتماعی بسیار مهمی است و پرداختن به آن دارای اهمیت است، اما قطعا در کارهای بعدی به زاویه جدیدی از این موضوع می‌پردازم و فرم قبلی را تکرار نخواهم کرد.

نسخه جدید فیلم در اکران هشت دقیقه کوتاه شده است، این تغییر، خدمت‌های به محتوای به فیلم وارد نکرد؟
بله؛ هشت دقیقه کوتاه شده است اما بعید می‌دانم ضربه به آن معنا که آسیبی دیده باشد، در فیلم رخ داده باشد، در نمایش جدیدی که از فیلم دیدم به نظر آمد که شاید یک جاهایی بیش از اندازه کوتاه و برخی از حس‌ها جاری نشده باشد. با توجه به موضوعی که در مقوله ریتم صحبت کردیم، سعی کردم ریتم را تنگ دارم و فیلم از ریتم نبیند.

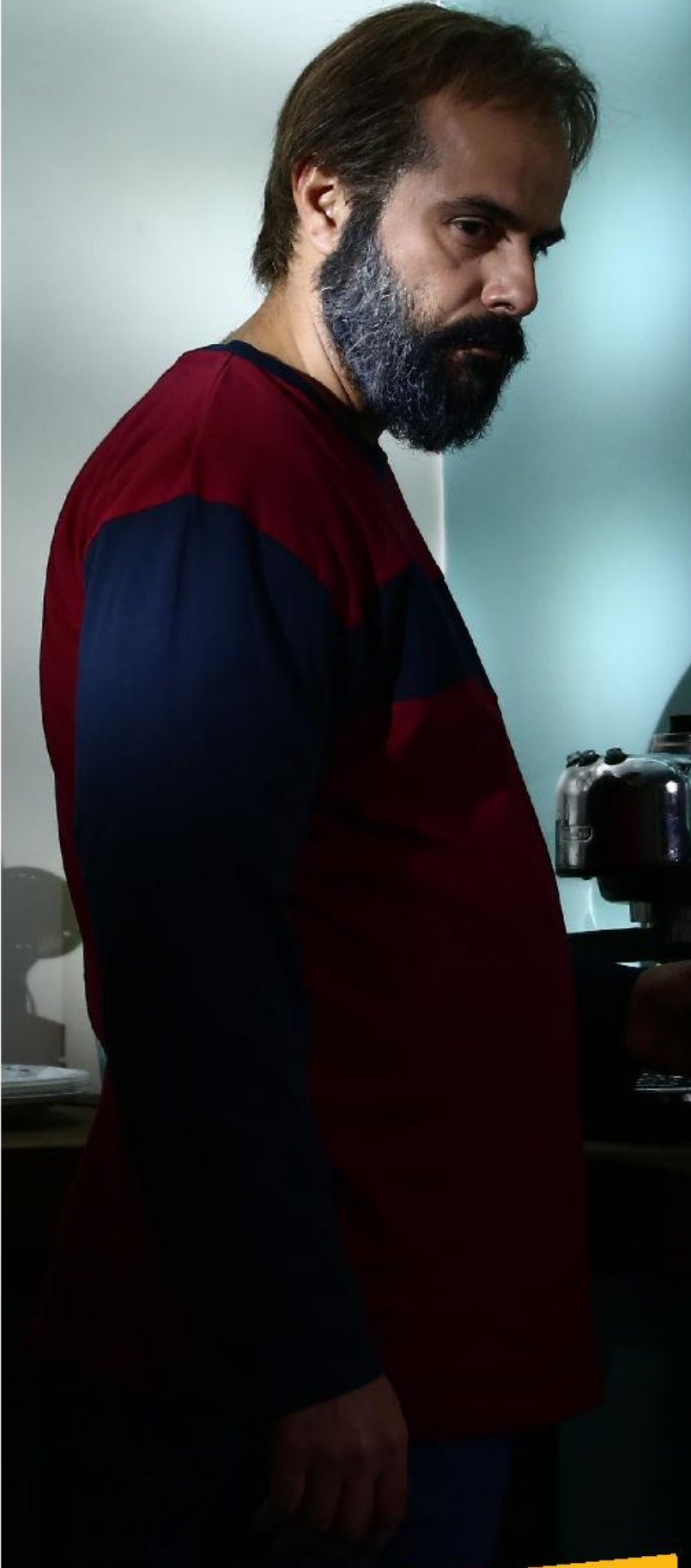
زمانی که عنوان فیلم «چاقی» را می‌شنویم، احساس می‌کنیم با فیلم کمندی روبه‌رو هستیم در حالی که «چاقی» فیلم اجتماعی است؛ از دلیل انتخاب اسم فیلم برای ما بگویید با توجه به این که قبل‌تر تغییراتی داشته است.

عنوانی در ابتدا که با آن پروانه ساخت گرفتیم «از چاقی که حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم» بود؛ در جلسات دورخوانی که با بازیگران داشتیم به این نتیجه رسیدیم که اسم طولانی ممکن است دافعه ایجاد کند در حالی که من خیلی به این اسم علاقه‌مند بودم و بغضی انای احترام به کتابی که از موراکامی به نام «ز دو و که حرف می‌زنیم از چه حرف می‌زنیم» است که در فیلم، این کتاب در دست شخصیت «میر» دیده می‌شود. به هر حال اسم فیلم را به «چاقی» تغییر دادیم. از دوستان دیگر نیز شنیده بودم که سوال می‌کردند که آیا فیلم کمندی است؟ اما موضوع اضافه‌وزن کمندی به نظر نمی‌آید و قصه فرعی داستان، اضافه‌وزن شخصیت «میر نریمان» و کوششی در کم شدن وزن دارد، است که ما در چار چوب قصه می‌بینیم که چگونه انگیزه لاغر شدن ایجاد می‌شود. این اتفاق برای او می‌افتد اما در نهایت می‌بینیم که کم کردن وزنش کمک زیادی نمی‌کند.

«چاقی» اولین ساخته بلند شما در سینما بود، پس از پنج سال که از زمان تولید آن می‌گذرد فیلم دیگری را در مدیوم سینما ساخته‌اید. با توجه به این که فضای سینما برای کارگردان بازتر است چرا به سمت فیلمسازی در سینما نمی‌روید؟

بعد از بیست و نهمی کار در سینما، «چاقی» را به عنوان اولین فیلم سینمایی ساختم. کار کردن در سینما را خیلی دوست دارم و اکنون فیلمنامه فیلم دوم تمام شده و مشغول بازنویسی نهایی آن هستم. نسبت به «چاقی» فیلمنامه متفاوتی است و امیدوارم بتوانم بعد از سریال «ایل‌دا» آن را بسازم. به عنوان سوال آخر از سریال «ایل‌دا» که آخرین ساخته شماست؛ بفرمایید این سریال در چه مرحله‌ای از تولید قرار دارد؟

«ایل‌دا» در محله فیلمبرداری است و بیش از ۲۰ درصد کار فیلمبرداری شده است و فکر می‌کنم تا بهمن‌ماه مشغول فیلمبرداری این سریال باشیم؛ سریال بزرگ و مهمی که محصول سینما فیلم است. من این افتخار را دارم که دوباره از طریق آنتن تلویزیون در خدمت مردم عزیز باشیم. امیدوارم سریالی باشد که مردم دوستش داشته باشند و بخشی از خاطر ایشان شود.



فیلمنامه «چاقی» دقیق و مهندسی شده است